

زبان فارسی در پاکستان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تا درجه دکترا در ادبیات فارسی از دانشگاه‌های ایران در حدود شصت نفر می‌باشد. آموزش فارسی در پاکستان از دوره دبستان تا دوره دانشگاه و نیز خانه‌های فرهنگ ایران و مراکز آموزش عمومی پاکستان ادامه دارد. از هزارها نسخ خطی فارسی که در این کشور وجود دارد، تعداد قابل ملاحظه کتاب متدرجاً چاپ می‌گردد. کارهای تحقیقی در زمینه ادب فارسی بوسیله دانشگاه‌ها و سایر مراکز تحقیقی بطور جدی دنبال می‌گردد. غیر از مجلات بزبان فارسی، در مجلات اردو و انگلیسی و زبانهای محلی کشور

پاکستان کشوری است که روز ۱۴ اوت ۱۹۴۷ میلادی بامیراث تمدن وسیع اسلامی و ایرانی در محیط شبه قاره بوجود آمده و پیداست که زبان فارسی که در حدود هشتصد سال زبان رسمی و عمومی شبه قاره بوده، در تمدن و فرهنگ این کشور سهمی بسزا دارد. بهمین سبب بعد از کشورهای و مناطق فارسی زبان مانند ایران و افغانستان و بعضی از جمهوری‌های شوروی، تداول زبان فارسی در پاکستان و نیز عده فارغ التحصیلان زبان و ادبیات فارسی در آنسامان از هر کشور دیگر جهان بیشتر است. عده تحصیل کردگان پاکستان

نیز مطالبی در پیرامون ادبیات فارسی بطور عادی چاپ میگردند. از بدو تأسیس پاکستان، بعد از مدتی سنن فارسی نویسی گویا از سر گرفته شد. فارسی گویی البته در شبه قاره بلاانقطاع بوده و در پاکستان با شور و هیجان ویژه ادامه دارد. فارسی در اردو، زبان ملی و عمومی پاکستان، و نیز در سایر زبانهای محلی آن کشور مانند پنجابی (و شعب آن مانند مولتانی و سراییکی و پوتوهاری و کوهستانی و هندکو، سندی، پشتو، بلوچی، بروهی و کشمیری و غیره تاثیر زیاد دارد، و راجع به رابطه فارسی با زبانهای مذکور که در هر کدام از ۲۵ الی ۷۵ درصد کلمات فارسی وجود دارد، مکالمات و تحقیقات ادامه دارد. بدینوسیله ما مختصری از اینگونه نکات مربوط به فارسی در پاکستان را بازگو می کنیم.

آموزش فارسی

در پاکستان از کلاس ششم ابتدایی تا انتهای دوره دبیرستانی فارسی یا عربی بعنوان یک واحد مهم درس اختیاری را تشکیل میدهد و بعلل قابل حدس، استقبال بیشتر دانش آموزان از فارسی است. در دانشکده ها و دانشگاهها هم فارسی یکی از رشته های اختیاری است و با وجود اینکه دانش آموزان و دانشجویان در انتخاب رشته ادبیات همه جا رویهمرفته متامل هستند، باز هم چندین هزار پسر و دختر، ادبیات فارسی را بعنوان واحد یا رشته درسی انتخاب میکنند، و هر سال عده زیادی در این رشته باخذ لیسانس یا فوق لیسانس نایل می آیند و در هر دانشگاه چند تن برای درجه ی دکترا هم

برگزیده می شوند و کارهای تحقیقی را دنبال میکنند. پس از زبان رسمی انگلیسی و زبان ملی اردو، داوطلبان زبان فارسی از داوطلبان زبانهای دیگر خیلی زیادتر بچشم میخورد.

نظر به محیط مساعد برای توسعه آموزش زبان فارسی، دولت شاهنشاهی ایران در کراچی و حیدرآباد (سند) و کوئته و راولپندی و پیشاور خانه های فرهنگ ایران تاسیس نموده و دو خانه فرهنگ دیگر نیز در اسلام آباد ملتان در حالت دایر شدن است. در خانه های فرهنگ، معمولاً دروس کلاسهای دبستانی فارسی، و تکلم بفارسی و فارسی نویسی معمول را می آموزند، و مساعی خانه های فرهنگ لایق تقدیر است. در خانه های فرهنگ ایران و اصولاً در هر کتابخانه پاکستان، کتب زیاد فارسی، چه چاپهای قدیم و چه چاپهای جدید وجود دارد.

اخیراً در مراکز پاکستان، که برای سخنرانی و آموزش امور ملی در هر شهر وجود دارد، کلاسهای آموزش فارسی دایر گردیده و صدها نفر فارسی آموز باین مراکز روی میاورند. در سال ۱۳۵۲ خورشیدی در حدود ۱۵۰ تن از استادان و معلمان فارسی پاکستان را دولت ایران باین کشور دعوت نموده تا یک دوره ۴ ماهه آموزش را در این کشور بگذرانند و این عده متناوباً وارد ایران می شوند. این امر هم در آموزش فارسی در پاکستان کمک شایسته ای خواهد کرد.

تحقیق و پژوهش

تحقیقات و پژوهشهای ادبیات فارسی

در پاکستان جالب است. مجله‌های پاکستان مصور و صدای پاکستان بفارسی منتشر می‌شود. قبلا سروش و هلال هم چاپ می‌شد. مرکز تحقیقات ایران و پاکستان در راولپندی نیز مجله‌ای بنام «فارسی» بزودی منتشر میکند. در سایر مجلات تحقیقی بزبان اردو یا انگلیسی و غیره هم مطالبی در زمینه تحقیقات ادب فارسی و افکار ایرانیان گنجانده میشود. چه بسا مجلات که بمناسبت روزهای مهم ایران شماره‌های مخصوص بفارسی چاپ میکنند. بمناسبت تاجگذاری اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو فرح در سال ۱۳۴۶ و برای بزرگداشت مراسم جشنهای دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ایران در سال ۱۳۵۰، دهها مجله و کتاب نفیس و زیبا بزبان فارسی در پاکستان انتشار یافته و بمقامات ایرانی تقدیم گردیده است. سایر موسسات بزرگ و آکادمیها و دانشگاهها و مراکز پژوهش پاکستان نیز به چاپ و انتشار کتب فارسی مبادرت ورزیده و می‌ورزند، و بدینطریق بعضی از کتب مهم فارسی بمضنه شهود آمده است. مثنوی و امق و عذرای عنصری بلخی (م ۴۳۱ هـ) چند سال پیش بکوشش روان شاد پرفسور دکتر محمد شفیع در لاهور چاپ گردیده بود. لغت مدارالافاضل، تذکره شعرای کشمیر (اصلح میرزا) دیوان جویا تبریزی و تذکره مخزن الغرایب و دهها کتاب مهم دیگر از این نوع در سالهای اخیر در پاکستان چاپ و منتشر گردیده است. مرکز تحقیقات ایران و پاکستان در شهر راولپندی که چند سال پیش دولتین ایران و پاکستان بتاسیس آن مبادرت ورزیده‌اند، در زمینه تحقیقات نقش مهمی ایفا می‌نماید.

گذشته از جمع‌آوری هزارها نسخه خطی فارسی و تهیه و تنظیم فهرستهایی درین زمینه که چندین مجلد آن چاپ گردیده و مجلات دیگر در شرف چاپ است، این مرکز تا کنون چند کتاب سودمند فارسی را نیز چاپ نموده و در برنامه انتشارات آن چاپ خیلی، از کتب جالب‌بچشم‌میخورد. موسسات دیگر کشور نیز درین زمینه فعالیت‌های چشمگیری را پیاده می‌کنند.

فارسی نویسی

در نتیجه از رسمیت افتادن زبان فارسی و گرفته‌شدن جای آن بوسیله زبان انگلیسی در سال ۱۸۲۴ میلادی بتوسط انگلیسیها در شبه قاره، فارسی‌نویسی در آنزمان کم‌کم دچار رکود و انحطاط و اضمحلال شد، و در نتیجه فضلاء دیگر باین زبان مطلب نمی‌نوشتند. درست است که بعد از این هم بعضی از علاقه‌مندان فارسی مانند میرزا اسدالله بیگ خان غالب دهلوی (م ۱۲۸۵ هـ)، پیرغلامحسین کوبهائی کشمیری (م ۱۳۱۶ هـ)، خواجه الطاف حسین حالی (م ۱۳۳۲ هـ) و رحمان علی (م ۱۳۴۵ هـ) و غیره بفارسی نویسی توجه نموده و به ترتیب کتبی بنام دستنبو، تاریخ حسن کشمیر در ۴ مجلد، تذکره ناصر خسرو علوی و تذکره علمای هند را نگاشته‌اند، ولی نسبت به سوابق فارسی نویسی شبه قاره، اینگونه کتب فارسی باید بسی ناچیز و استثنایی تلقی گردد. میرزا غالب شاعر و نویسنده بزرگ فارسی درین محیط کساد بازار فارسی خود را «غریب‌شهر» قلمداد می‌نماید:

بیاورید گر اینجا بود سخندانی
غریب شهر سخنهای گفتنی دارد

حقیقت اینست که در دوره‌ی سلطه انگلیسها (۱۲۷۳ - ۱۳۶۷ ه ق) ، روابط مردم شبه قاره با ایران و مناطق فارسی زبان منقطع مانده و بعلت عدم تشویق دولت انگلیسی‌هند از فارسی‌دانی و فارسی‌ریسی، مردم نتوانستند با دلگرمی بفارسی نویسی پردازند. ولی بعد از تاسیس پاکستان، و برگزاری روابط بسیار برادرانه و صمیمانه با ایران که در دنیای کنونی کم نظیر می‌باشد، مردم پاکستان بفارسی نویسی پرداختند و می‌پردازند. غیر از نگاشتن مقالات در مجلات پاکستان و ایران، فارسی دانان پاکستان کتابهایی مستقل بفارسی تالیف نموده‌اند که از آن میان تذکره شعرای فارسی‌کشمیر در ۵ مجلد، تذکره شعرای فارسی گوی پنجاب و تاریخ زبان فارسی در ایران شهرت دارد.

سبک فارسی نویسی اهل پاکستان، نزدیک به سبک فارسی معمولی ایران است، بازهم آن سبک خاصی است. کوشش فارسی نویسان پاکستان در این است که با حفظ سبک ویژه‌ی خود، چنان بنویسند که اگر فاقد دلاویزی و عبارت آرایی گردد، لااقل برای فارسی زبانان مفهوم باشد. نگار شهای پاکستان در ایران تداول دارد، بازهم دو نمونه از نگارش دوتن از استادان نگارنده‌را ملاحظه فرمایند:

«... بعد از انقراض حکومت سیصد و سی و یک‌ساله‌ی شاهنشاهان مغول تیموریه و رفتن زمام حکومت شبه قاره بدست بیگانگان، زبان فارسی از پایه‌های رفیع خود افتاد و در نتیجه آن از تاثیر آن در زبان اردو هم کاسته شد. بازهم در قرن بیستم، زبان فارسی بقلم توانای اقبال،

شاعر شهیر پاکستان قوت‌گرفت و بهترین آثار علامه‌ی اقبال در زبان فارسی می‌باشد. البته تاثیر زبان فارسی در اشعاری که علامه اقبال بزبان اردو سروده، کمتر نیست و علامه اقبال که به زبان فارسی عشق و علاقه فراوانی داشته است، صدها کلمات و ترکیبات و محاورات و تلمیحات و استعارات فارسی را در اشعار اردوی خود آورده‌اند». (پرفسور غلام سرور، پاکستان طبع کراچی ۱۹۷۰ صفحه ۲۱۹ مقاله نفوذ زبان فارسی در زبان اردو)

«بر دانشوران این کشور معلوم است که آن منطقه پاکستان که شرقا و غربا بین رود جهلم و رود سند و شمالا و جنوبا بین کوه‌های مری و هزاره و فلات‌های مرتفع سون سکیسر واقع است بنام پوتوهار معروف است. در وسط همین فلات پوتوهار، اسلام‌آباد که پایتخت‌نوین دولت پاکستان میباشد، وقوع دارد. زبان محلی این فلات راپوتوهار می‌گویند. این زبان که از حیث لهجه و صوت الفاظ در ناحیه‌های مختلف پرتوهار تحولات محلی هم دارد، از لحاظ بن و ریشه و واژه‌ها و نواده‌ها یکی است. زبان پاکستانی پوتوهار یکی از پراکرت‌های سانسکرید بوده ولی چون مسلمانان از طرف مرزهای باختری هند وارد این سرزمین شدند، آن پراکرت‌های محلی این مرز و بوم از زبان مسلمانان که فارسی بود، نفوذ وافر پذیرفت و از امتزاج با همی هر دو زبان، زبانی جدید که امروز آنرا پوتوهار می‌گویند، بوجود آمد». (از پرفسور کرم حیدری: کتاب محوله‌بالا صفحه ۲۳۱ - مقاله، نفوذ زبان فارسی در زبان پوتوهار) . اقتباساتی که از مقالات استادان فارسی نقل گردیده، در

ماهنامه هلال پاکستان نیز چاپ گردیده بود.

فارسی گویی پاکستانیان

آنطور که در بالا هم اشارتی رفت . فارسی گویی و شعر خوانی فارسی ، از خصوصیات برجسته مردم پاکستان است . از قرن پنجم هجری به بعد ، در شبه قاره صدها نفر شاعر فارسی بوجود آمده و پاکستانیان هم آن سنت دیرینه فارسی گوئی را کماکان ادامه میدهند . روان شاد استاد سعید نفیسی در یک گزارش خود بعنوان ، ۶۶ روز در پاکستان ، درین زمینه نوشته اند :

«شعر فارسی در میان مردم پاکستان باندازه ای رواج دارد که کسی تا بانجا نرود تصور نمی کند . اغلب مردم حتی وقتی که اردو حرف میزنند ، بجایی می رسند که میخواهند دلیل محکم برای سخن خود بیاورند ، یک یا دو شعر فارسی را شاهد میاورند .» (سه ماهی هلال کراچی آبانماه ۱۳۳۵ ش صفحه ۴۸)

اغلب شعرای اقدم اردو ، بفارسی شعر می سرودند ، و همین کار را بیشتر شعرای معاصر اردو ادامه میدهند . در سایر محافل ادبی پاکستان ، مانند انجمن ادبی فارسی کراچی ، بزم سعدی حیدر آباد سند ، بزم ادب کویته ، بزم حافظ لاهور ، بزم فارسی سیالکوت ، انجمن روابط فرهنگی ایران و پاکستان و نیز سازمان فارسی راولپندی ، بزم ادب پیشاور و بزم ادب مظفر آباد و غیره یکبار در هفته یا هرپانزده روز یا هرماه مجالس سخنرانی و شعر خوانی فارسی و اردو برگزار می-

گردد که در آنها ایرانیان مقیم پاکستان هم شرکت می جویند .

سبک شعر فارسی گویان پاکستان ، همانا سبک اقبال است که سایر معاصران از وی پیروی می کنند . سبک اقبال یا سبک فارسی پاکستان از ویژگیهای سبک هندی بکلی پاک است . در این سبک سادگی و دلاویزی بچشم می خورد . چون تداول شعر فارسی در پاکستان یک امر بدیهی و بارز است ، با دست کشیدن از طول گفتار با ارائه نمونه های مختصر شعر معاصران بسنده می کنیم . درین معرفی نامه از کلام ده تن از شعرای معاصر پاکستان (غیر از دسته خواجه عبدالحمید عرفانی که ذکر وی را در شماره ۱۶ هفت هنر می توان دید) شاهد آورده ایم و شاید بیش از چند برابر این عده ، شعرای خوب فارسی در پاکستان وجود دارند .

۱- زیب سردار میر گل محمد خان (متوفی ۱۹۵۳) . از امرای برجسته بلوچستان پاکستان بوده و در شعر فارسی چندین مجموعه ای کلام انتشار داده است .
انتخابی از غزلش را بنگرید:

مرید عشق گشتم نور ایمان دادم و رفتم
بکفر زلف نقد دین چون صنعان دادم و رفتم
منی معنای زخم عشق درمینای دل کردم
ایاغ بیخودی در دست مستان دادم و رفتم
محال است اینکه میرد نوش ساغر بزم
چوعیسی از می خوش آب حیوان دادم و رفتم
مقلد را چه طاقت کو زند آواز منصور
برین منبر اذان عشق و عرفان دادم و رفتم
مثل آینه خوردم غوطه ها در آب حیرت زیب
غبار وهم را سر در گریبان دادم و رفتم

۲- ضیاء پیشاوری ، سید عنایت علی شاه جعفری (م ۱۹۷۰) . از خانواده محترم سادات جعفری پیشاور و شاعر

غرای اردو و فارسی بوده است . در رباعی گویی معروف است . نمونه‌های سخن او بدین قرار است :

جام می و اندیشه‌ی رنگین خواهم
وز تاک فلک خوشه‌ی پروین خواهم
در عهد بهاران بهجوم گل و مل
از دولت ساقی لب نوشین خواهم
می دیرینه ، معشوق جوانی
هجوم لاله و جوی روانی
شعر حافظ و با بربط و نی
ضیا و دم بدم رطل گرانسی
۳- جگر پیشاوری ، سید لعلشاه
کاظمی (م ۱۹۷۵) . انتخابی از غزل
اوست :

بر سر من آتش است و درته پا آتش است
چون سمندر راحت جانم سراپا آتش است
ما خراب نرگس مخمور ساقی گشته‌ایم
بهر ما کوثر برای شیخ صهبا آتش است
نیک‌میدانی که باقارون چه کرد این مال و زر؟
آبرویت آنچه امروز است فردا آتش است
۴- علامه عرشی امیر تسری ، محمد
حسین (متولد ۱۸۹۶) انتخاب از غزل
شاعر است . در این زمینه نظامی گنجوی
و نظیری نیشابوری و علامه اقبال
(و محتملا دیگران هم) غزلهایی دارند:
چه باشد گربگیری دست‌لرزان ناتوانی را
نوازی از دم جان‌بخش فیضت نیم جانی را
انیسی نیست درگیتی ، پناهی نیست در عالم
غریبی ، بیکسی ، مفتون و رسوایی جهانی را
من و خواجه نظیری در مقام مرحبا طالع
بلی آراستن بی‌خار نتوان گلستانی را
به‌عرشی هرکه میبیند بصد اندوه میگوید
به پیری برده سودای محبت نوجوانی را
۵- تبسم امیر تسری ، صوفی غلام
مصطفی (متولد ۱۸۹۹) . از استادان
فارسی است که سالیان دراز در دانشکده

دولتی لاهور بتدریس فارسی اشتغال ورزیده
است . (مسافرتی به ایران نیز انجام داده
است) از غزل اوست:

بیا چه جای شکایت ز دور افلاک است
ببین که وقت گل‌است و هوا طربناک است
بیا که بی‌تو شکیبیا نمی شود خاطر
بیا که چشم تمنا هنوز نمناک است
ز بسکه ریزش مستی کند سحاب بهار
نگاه نرگس شهلا به خوشه تاک است
حدیث خلوتیان حرم مگو که مرا
نظر به جلوگه شاهدان چالاک است
ماهرالقادری منظور حسین (متولد
۱۹۰۶) . اصلش از ناحیه کسیرکلان بلند
شهر هند است و بموقع تاسیس پاکستان
به کراچی آمده است . شاعر اردو و
فارسی و موسس و صاحب امتیاز ماهانه
فاران ، کراچی است . نمونه‌ای از غزل
او ، که بسبب اقبال است ، ملاحظه
فرمایند:

غریب عشق سامانی ندارد
جنون دارد ، بیابانی ندارد
ره غم ، غمگساری را نجوید
خوشا دردی که درمانی ندارد
محبت فارغ از رسم و تکلف
اسیر عشق زندانی ندارد
مبین الفاظ در اشعار ماهر
حدیث شوق پایانی ندارد
۷- فاضل ، سید محمد عبدالرشید
(متولد ۱۹۰۹) . استادی فاضل از اهالی
منطقه راجستان هند بوده و به پاکستان
مهاجرت نموده در شهر کراچی سکنی
گزیده‌اند . ایشان در دانشکده اردوی
کراچی بتدریس فارسی اشتغال ورزیده‌اند
کتابهای زیاد بزبان اردو نوشته‌اند که
بیشتر آنها مربوط به فکر و فن اقبال
لاهوری می‌باشد . مجموعه کلام اردو و

فارسی ایشان بعنوان «نقوش جاویدان» در سال ۱۹۷۳ در کراچی چاپ گردیده و انتخابی از غزل دوره‌ی جوانی ایشان در زیر نقل می‌گردد:

آنکه داند لذت آزارها
برنتابد پرسش غمخوارها
زنده‌باشی چشم خون افشان من
در اسیری دیده‌ام گلزارها
با که گویم چیست این درد فراق
کو خلد در سینه همچون خارها
من در دلدار را جویم ولی
پیش من آیند اینجا دارها
هیچ پیمان با مراد من نکرد
آنکه با من کرد صد اقرارها
شورها دارند بهر قاتلی
بر دری افشاده دل افکارها
آنکه نا واقف ز قانون حیات
از خدا داند سزای کارها
حیف از کوری خود نشناختم
پیش من دلدار آمد بارها
خون یک ارمان چه کردی جان من
در دل فاضل شکستی خارها

۸- آغا صادق، سید صادق حسین نقوی (متولد ۱۹۰۹). پرفسور صادق، استاد فارسی و شاعر غرای اردو و فارسی می‌باشند. اشعار زیر ایشان انتخابی است از قصیده‌ای در مدح مقام علامه اقبال، و غالب ابیات ایشان همینگونه می‌باشد:

کیست کو زد به رگ دل نشتری
بزم ما از یادبودش محشری
چیست این سحر تصور کو مرا
می رباید در جهان دیگری

آدم نو در حریم زندگی
در جهان شاعری پیغمبری
کفر سوز از نعره‌های لاله
از براهیمی، حریف آزی
خامه‌اش اندر نبرد زندگی
رستمی، افراسیابی، صفوری
بر دلش اسرار عالم عکس ریز
آینه‌سازی، جمی، اسکندری

۹- رضا پیشاوری، میرزا رضاحسین همدانی ثم پیشاوری (متولد ۱۹۱۵). سه بیت غزل ایشان که نقل می‌گردد، باستقبال غزل اقبال است با مطلع زیر:

از دیر مغان آیم بی گردش صهبا مست
در منزل لا بودم از باده‌ی الا مست
(مثنوی مسافر)

از پرتو رخسارش هر ذره سینا مست
وز تابش گیسویش روح یدبضا مست
ناگاه بباغ آمد آن جان تمنا مست
هر خار گلستان شد چون نرگس شهلا مست
از مستی اشعارم وز شوخی گفتارم
خیام به کوثر مست، حافظ به مصلا مست
۱۰- اکرام لاهوری، دکتر محمد اکرام شاه (متولد ۱۹۳۴) دکتر اکرام ازدانشگاه تهران دکترای ادبیات دارند و در دانشکده شرق شناسی دانشگاه پنجاب در لاهور دانشیار ادب فارسی هستند. بچاپ کتاب و مقاله‌ها بفارسی کوشا می‌باشد. اشعار فارسی ایشان در مجلات ایران و پاکستان چاپ می‌گردد. مجموعه مختصر اشعار ایشان (پروانه‌ی پندار) با مقدمه استاد سعید نفیسی مرحوم در سال ۱۳۴۲ ش در تهران چاپ گردیده، و اینک بانضمام

آن، مجموعه‌ای بنام «سکه عشق» در سال ۱۳۵۲ ش در لاهور چاپ گردیده، و اینک غزل ایشان باستقبال خواجه حافظ نقل کرده و ما این گزارش کوتاه را بپایان می‌رسانیم:

این دلبران که فتنه محشر بپا کنند
آیا بود که درد دل ما دوا کنند
عشق است کی جدا شود ای جان ز خاطر
گر سرزتن جدا و تن از سر جدا کنند
آن را که در حریم محبت دهند جای
اول دلش نشانه تیر جفا کنند
درمان تلخ کامی هجران نمی شود
جز آن که گاه زان لب شیرین دوا کنند
ما را گذر افتاد به شهر پری رخان
باشد مگر به یار غریب اعتنا کنند
ای حافظ، ای پیمبر دنیای شاعری
ای آنکه از غبار رخت توتیا کنند
ورد زبان الکن اکرا، گشته است
«آیا بود که گوشه چشمی به ما کنند»؟

پروفسور شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی